



نگاه دولت باید تغییر کند



یک فعال صنعت نساجی، رونق اقتصادی، تسهیلات ارزی برای نوسازی و تغییر نگاه مسولان به این صنعت را راهکارهای برون رفت از مشکلات دانست. به گزارش مهر، **علیرضا حائری- دبیر سابق انجمن صنایع نساجی ایران**- در یادداشتی با اشاره به مشکلات کنونی صنایع نساجی در ایران به بیان راهکارهایی برای برون رفت از چالش‌های پیش روی این صنعت پرداخت. متن این یادداشت از نظر گرامی‌تان می‌گذرد:

نساجی، صنعتی است که با سابقه حدود پنج هزار ساله در ایران و تامین کننده یکی از اولیه ترین نیازهای حیاتی بشر. سابقه صنعتی این رشته در کشور نیز به بیش از یکصد سال می‌رسد و از اولین صنایعی است که پس از انقلاب صنعتی در اروپا به کشور وارد شد.

کارخانجات نساجی که در آن ایام در گوشه و کنار کشور همانند اصفهان، تهران، کاشان و تبریز و مازندران احداث شد، کم‌کم تبدیل به نمادی از آن شهر و دیار شده و به محلی برای تامین معاش مردمان آن منطقه تبدیل شده است و بیشتر مردم، آن شهرها را با این نمادها که همانا کارخانجات نساجی بودند می‌شناختند از قبیل: وطن، ریساف، رحیم زاده در اصفهان، چیت ری و چیت سازی تهران در تهران، نساجی مازندران و نساجی

قائم‌شهر، ریسندگی و بافندگی و مخمل و ابریشم کاشان و جهان چیت کرج و ...

بی دلیل نیست که با تعطیلی هر کدام از این کارخانجات و حذف هر کدام از برندها، بحث ورشکستگی صنعت نساجی مجددا مطرح و اوج می‌گیرد. غافل از اینکه در کنار این تعطیلی‌ها، کارخانجات جدید و مدرنی در رشته نساجی و پوشاک احداث و به چرخه تولید کشور وارد می‌شود. البته بهتر این بود که این کارخانجات تعطیل شده که عمدتا به دلیل واقع شدن در محدوده شهری اتفاق افتاده است با همان نام و برند به خارج از شهر منتقل می‌شد تا بار روانی ناشی از ورشکستگی صنعت نساجی در جامعه کاهش می‌یافت.

این بار روانی نه تنها در بین آحاد مردم، بلکه متاسفانه در بین مسئولین صنعتی و اقتصادی و بانکی کشور نیز اثر منفی و سوء خود را گذاشته است به نحوی که نگرش آنها را نیز به توانایی‌های این صنعت دچار شک و تردید کرده است.

صنعت نساجی در حال حاضر با حدود ۹۰۰۰ واحد دارای پروانه بهره برداری، معادل ۱۱ درصد از واحدهای صنعتی کشور را شامل می‌شود و با ۳۰۰ هزار نفر اشتغال در حدود ۱۲ درصد از اشتغال صنعتی کشور را در بر دارد. ارزش افزوده این صنعت نسبت به کل صنایع در حدود ۳ درصد برآورد می‌شود و در حدود ۷۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی سالیانه این

صنعت از طریق صادرات است که البته این رقم در کل جهان در حدود ۸۰۰ میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شود.

صنعت نساجی، صنعتی است که در هر سه مولفه اصلی اقتصاد هر کشور یعنی ایجاد ارزش افزوده، ارز آوری و ایجاد اشتغال پایدار با کمترین سرمایه گذاری، توانمند و اثرگذار است.

با این مقدمه کوتاه، نگاهی خواهیم داشت به مشکلات پیش روی این صنعت که به نظر اینجانب در ۳ گروه کلی قابل تفکیک و رصد است:

۱- مشکلات کلان اقتصاد کشور: صنعت نساجی نیز همانند سایر صنایع، متأثر از فضای عمومی حاکم بر اقتصاد و صنعت کشور است که در کلان قضیه با مشکلاتی از قبیل رکود حاکم بر بازار و همچنین کمبود نقدینگی مورد نیاز به دلیل ادامه وضعیت نامشخص در ارتباط با سیستم جهانی بانکی و ناتوانی سیستم بانکی داخل کشور از تامین نیازهای مالی صنعت با نرخ مناسب است.

کاهش قدرت خرید مردم علی رغم ادعای کاهش نرخ تورم و عدم حمایت موثر از صادرات کالا، همزمان با اصرار دولت در تامین بخشهای بزرگتری از بودجه جاری کشور از محل درآمدهای مالیاتی، بر رکود موجود دامن زده و واحدهای نساجی را بیش از پیش با مشکل فروش محصولات روبرو کرده که حاصل

صنعت نساجی در حال حاضر با حدود ۹۰۰۰ واحد دارای پروانه بهره برداری، معادل ۱۱ درصد از واحدهای صنعتی کشور را شامل می‌شود و با ۳۰۰ هزار نفر اشتغال در حدود ۱۲ درصد از اشتغال صنعتی کشور را در بر دارد

این رویداد، پرشدن انبارهای کارخانجات از کالاهای تولید شده و به عبارتی حبس نقدینگی این واحدها در انبارهای محصول و ضرورت کاهش تولید که منجر به افزایش قیمت تمام شده کالای تولیدی شده که منجر به عدم امکان رقابت در بازارهای داخل و خارج می‌شود.

۲- مشکلات اختصاصی صنعت نساجی: صرفنظر از مشکلات عمومی صنایع در کشور، صنعت نساجی با مشکلات انحصاری این صنعت نیز مواجه است.

*عدم نوسازی به موقع ماشین آلات و عدم استفاده از اتوماسیون در بسیاری از رشته‌های این صنعت که باعث کاهش راندمان و افزایش خطاهای انسانی و افزایش ضایعات و در نتیجه افزایش قیمت تمام شده کالای تولیدی می‌گردد از مهمترین مشکلات انحصاری این صنعت می‌باشد.

به‌طور کلی هر قدر دخالت نیروی انسانی در فرایند تولید کاهش یابد، درصد خطاهای انسانی و امکان ایجاد ضایعات در محصول تولیدی نیز کاهش یافته و منجر به کاهش قیمت تمام شده کالا می‌شود.

*پایین بودن بهره‌وری سرمایه، نیروی انسانی و عوامل کل از دیگر معضلاتی است که در این صنعت و احتمالاً کل صنایع کشور مشاهده می‌گردد و باعث افزایش قیمت تمام شده کالای تولیدی شده می‌شود.

به عنوان مثال در حالی که واحدهای نساجی سالیانه ۳۶۵ روز حق بیمه پرداخت می‌کنند و ۳۶۵ روز سود به بانک‌ها پرداخت می‌کنند و در حدود ۵۰۰ روز حقوق پرداخت می‌کنند و جرائم دیرکرد را همچنان و علی‌رغم کاهش تورم، همچنان به ماخذ ماهیانه ۲ درصد پرداخت می‌کنند ولی فقط سالی ۲۷۰ روز از نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری‌های خود بهره‌می‌برند و مابقی ایام را تعطیل هستند و یا مجبور هستند که با

هزینه‌های بیشتری تولید کنند.

*قاچاق پذیر بودن محصولات این صنعت، علی‌الخصوص پارچه و پوشاک از دیگر مشکلات انحصاری این صنعت می‌باشد به نحوی که از بازار ۱۲ میلیارد دلاری سالیانه پوشاک کشور، در حدود ۳ تا ۳.۵ میلیارد دلار آن از طریق واردات بصورت قاچاق تامین می‌گردد که در بین سایر صنایع کم نظیر و بعضاً بی‌نظیر می‌باشد.

۳- طرز نگرش مسئولین صنعتی و اقتصادی کشور به این صنعت: همانگونه که در مقدمه مطلب نیز به اختصار اشاره ای داشتیم، نگاه مسئولین اقتصادی کشور به صنعت نساجی، نگاهی به یک صنعت درجه دوم می‌باشد و این صنعت در اولویت اول حمایت‌های دولت قرار ندارد.

این موضوع را می‌توان براحتی از برنامه راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت که در سال ۱۳۹۳ رونمایی گردید مشاهده کرد. در بخشی از این سند که به بررسی صنایع منتخب در شاخص‌هایی هفت گانه می‌پردازد، صنعت نساجی در هیچیک از این شاخص‌ها در بین شش صنعت اول کشور قرار نمی‌گیرد و فقط در شاخص اشتغال در رتبه ششم قرار می‌گیرد.

این شاخص‌ها عبارتند از

۱- ایجاد بیشترین ارزش افزوده

۲- سهم از بازار داخل

۳- ارزش صادراتی

۴- مزیت نسبی

۵- ارزش سرمایه‌گذاری

۶- سهم بنگاه‌های بزرگ و کوچک و

۷- اشتغال.

در ادامه این بررسی، صنایع منتخب کشور به ترتیب اولویت درجه بندی می‌شود که صنعت نساجی در بین یازده صنعت اول کشور در رتبه دهم جای می‌گیرد.

بسیار واضح است که در سندی که بر مبنای مطالعات فراوان و تحقیقات گسترده تهیه شده و صنعتی در رتبه دهم اهمیت جای گرفته است در اولویت‌های اول حمایت‌های دولت قرار ندارد.

بنابراین به نظر اینجانب در وضعیت صنعت نساجی کشور در آینده‌ای نزدیک تحول چشمگیری روی

نخواهد داد و وضعیت این صنعت همچنان بر روال سال‌های اخیر خواهد بود مگر اینکه در بین مشکلات سه گانه فوق تحولی کیفی در یکی از زمینه‌های ذیل رخ دهد.

*رونق اقتصادی به کشور برگردد و مشکلات سیستم بانکی در جهت تامین منابع مالی مورد نیاز این صنعت مرتفع شود.

*سرمایه‌گذاری ارزی قابل توجه در جهت بازسازی و نوسازی این صنعت انجام گیرد.

*نگاه مسئولین بلندپایه اقتصادی کشور به این صنعت تغییر مثبت داشته باشد.

در حقیقت شرط لازم برای تحقق بند اول (همکاری بیشتر بانک‌ها در جهت تامین منابع مالی مورد نیاز) و بند دوم (تأمین منابع ارزی مورد نیاز جهت بازسازی و نوسازی) همان تحقق بند سوم یعنی لزوم تغییر نگاه مسئولین به این صنعت است و سایر فعالیت‌ها، تلاش‌ها، جلسات و همایش‌ها، چنانچه در جهت تغییر نگاه مسئولین به این صنعت نباشد حاصلی در بر نداشته و فقط می‌تواند تغییرات جزئی در جهت بهبود فضای حاکم بر این صنعت را ایجاد کند و تحولی کیفی را باعث نمی‌شود و در واقع هیچ اتفاق خارق‌العاده‌ای در این صنعت رخ نخواهد داد و درب

همچنان بر همان پاشنه خواهد چرخید.

ترتیب صنایع منتخب بر مبنای سند راهبردی

وزارت صمت

۱- صنایع تولید فرآورده‌های نفتی

۲- مواد و محصولات شیمیایی

۳- فلزات اساسی

۴- محصولات کانی غیرفلزی

۵- معدن و استخراج معدنی

۶- مواد غذایی و آشامیدنی

۷- وسایل نقلیه موتوری، تریلر و ...

۸- ماشین‌آلات و تجهیزات خطوط تولید

۹- محصولات لاستیکی و پلاستیکی

۱۰- منسوجات

۱۱- ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و ...

۱۲- صنایع پیشرفته